

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۲

(صص ۳۷-۵۳)

نگاهی به کارکردهای دو تکواژ معرفه‌ساز و حسرت در زبان تاتی خلخال

هماندوست سبزعلیپور*

چکیده

در زبان تاتی که از زبان‌های ایرانی شمال‌غربی است، عناصر و سازه‌های زبانی کهن بسیاری وجود دارد که امروزه در حال فراموش شدن هستند. در این مقاله دو تکواژ $l\bar{a}$ - و me - از تکواژهای تاتی بر مبنای گویش دروی (از گویش‌های شاهرود خلخال) بررسی می‌شوند. پرسش اصلی این تحقیق آن است که این دو تکواژ چه کارکردی دارند؟ شواهد زبانی بررسی‌شده در این مقاله نشان می‌دهد که تکواژ $l\bar{a}$ - در نام‌های خانوادگی و نام حیوانات خانگی، نشانه‌تجیب و صمیمیت؛ در مواردی نشانه‌معرفه؛ و در بافت‌هایی نیز یک وند اشتقاقی و اسم‌ساز است. تکواژ حسرت me - یکی دیگر از تکواژهای بررسی‌شده در این مقاله است و نتایج بررسی نشان می‌دهد که این وند، باید ترکیبی از ضمیر متصل غیرفاعلی اول شخص و نیز وند ندا ($e(y)$ باشد. این وند در بافت‌های الف (مویه و سوگواری؛ ب) حادثه ناگوار و مصیبتی وحشتناک؛ ج) تعجب یا تمسخر به کار می‌رود. کارکرد اصلی این تکواژ ظاهراً برای مویه و سوگواری بوده است.

کلیدواژه‌ها: زبان تاتی، گویش تاتی دروی، شاهرود خلخال، تکواژ معرفه‌ساز، تکواژ حسرت

۱- مقدمه

زبان تاتی یکی از زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی است که در گستره بزرگی از ایران و خارج از ایران گویشورانی دارد. این زبان دو شاخه عمده جنوبی و شمالی دارد. شاخه جنوبی آن در ایران در بین مردمانی از استان‌های خراسان، تهران، کرج، البرز، قزوین، گیلان، زنجان، اردبیل، آذربایجان شرقی و تعدادی از مسیحیان و مسلمانان جمهوری آذربایجان؛ و شاخه شمالی آن نیز در خارج از کشور در میان یهودیان داغستان (دریند) و منتهی‌الیه شمال شرقی جمهوری آذربایجان (نک. لُکوک ۱۳۸۳: ۴۸۹) رایج است. این زبان ارتباط زیادی با زبان‌های تالشی، گیلکی، سمنانی و مازندرانی دارد. زبان تاتی را می‌توان باقی‌مانده زبان پارسی در گستره بزرگی از شمال و شمال غرب ایران دانست (سبزعلیپور ۱۴۰۱). محققان، این زبان را ادامه زبان آذری (زبان کهن آذربایجان و زنجان و اطراف آن) می‌دانند. استیلو، تالشی را به‌علت شباهت زیاد با تاتی در خانواده «تاتیک» قرار داده است (نک. Stilo 1981: 2018).

زبان‌ها و گویش‌های ایرانی هر کدام همانند میراثی ارزشمند از گذشتگان هستند که امروزه برای کاربردی کردن نظریات زبان‌شناسی و نیز شناخت جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و مطالعات علوم اجتماعی بسیار مستعد هستند. زبان‌ها و گویش‌هایی که در خطر نابودی قرار دارند، ارزش بسیاری برای تحقیق دارند. گویش تاتی خلخال یکی از گویش‌های زبان تاتی است که ویژگی‌های زبانی کهن بسیاری را حفظ کرده است. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به ساخت گنایی (ارگتیو)، تمایز جنس دستوری مؤنث از مذکر، حالت‌های چندگانه اسم و موارد دیگر اشاره کرد.

آنچه در این پژوهش بدان پرداخته شده، بررسی دو تکواژ از تکواژهای زبان تاتی است که تقریباً کم‌کاربرد و در حال فراموشی هستند. این دو تکواژ عبارتند از -lə و -me. تکواژ نخست بیشتر برای تحبیب، معرفه‌سازی و ساخت اسم جدید به‌کار می‌رود. این تکواژ امروزه بیشتر در چند بافت نام‌های خانوادگی، نام‌های حیوانات خانگی و تره‌ها خود را نشان می‌دهد. محتمل است این تکواژ کارکرد اصلی‌اش را از دست داده باشد و فقط در بافت‌های خاصی خودش را حفظ کرده باشد. تکواژ دومی نیز تکواژی است برای بیان حسرت، حیرت، تعجب و مواردی شبیه آن به‌کار می‌رود. مواد زبانی بررسی شده در این تحقیق از گویشوران تات‌زبان روستای **درو**^۱ از

¹ dərav

روستاهای تات‌زبان شاهرود خلخال از استان اردبیل جمع‌آوری شده‌است. علاوه‌براین، از شتم زبانی نویسنده این تحقیق نیز در تحلیل داده‌های این پژوهش استفاده شده‌است.

۲- پیشینه تحقیق

در مورد زبان تاتی پژوهش‌های بسیاری انجام شده‌است. مهم‌ترین تحقیق از آن یارشاطر (1959; 1969) است. استیلو (2018; 1981) نیز در مورد طبقه‌بندی تاتی نظرات ارزشمندی عرضه کرده‌است. آنچه با این تحقیق همسو است، مقاله ایزدی‌فر (۱۳۹۴)، تحت‌عنوان «بررسی طبقه‌نماهای عددی، در گونه دروی زبان تاتی» است. او در این تحقیق طبقه‌نماهای عددی این گویش را بررسی کرده که gala یکی از این طبقه‌نماهاست. سبزعلیپور نیز در چند پژوهش جداگانه در مورد انواع تکواژهای زبان تاتی، نکاتی را ذکر کرده‌است (نک. سبزعلیپور ۱۳۹۱ الف؛ ۱۳۹۱ ب؛ ۱۳۹۲). وی در مقاله «بررسی نحوی و ساختوازی اسامی خویشاوندی در زبان‌های حاشیة کاسپین» به بررسی ویژگی‌های ساختوازی و نحوی تعدادی از نام‌های خانوادگی این گویش پرداخته‌است.

۳- تحلیل داده‌ها

در این بخش دو تکواژ از انواع تکواژهای زبان تاتی بر مبنای داده‌هایی از گویش دروی بررسی می‌شوند. در ابتدا تکواژ معرفه‌ساز -ə- همراه شواهدی بررسی می‌شود. این تکواژ گاهی نیز به صورت -e- تلفظ می‌شود. در بخشی دیگر، تکواژ حسرت و حیرت -me- بررسی خواهد شد.

۳-۱- وند بزرگداشت و صمیمیت -ə- در نام‌های خانوادگی^۱

این تکواژ در کلمات خانوادگی ظاهر می‌شود و معنای بزرگداشت، تحبیب یا صمیمیت را به کلمه بعدی می‌افزاید. ممکن است این وند در آغاز کارکردش معرفه‌سازی بوده و بعدها کارکرد خود را از دست داده باشد.

^۱ نام‌های خانوادگی در زبان‌های ایرانی، به‌ویژه زبان‌های شمال‌غربی (مثلاً تاتی، تالشی و گیلکی) از نظر صرفی و نحوی با دیگر نام‌ها تفاوت‌هایی دارند؛ برای این شواهد نک. سبزعلیپور ۱۳۹۸.

نام‌های خانوادگی زبان تاتی که این تکواژ به آنها اضافه می‌شود، دو دسته هستند:

الف) نام‌هایی که هم با تکواژ و هم بدون تکواژ lə- کاربرد دارند؛

ب) نام‌هایی که فقط با تکواژ lə- کاربرد دارند.

در ادامه هرکدام از نام‌های خانوادگی زبان تاتی همراه با مثال‌هایی شرح داده خواهند شد.

الف) نام‌هایی که هم با تکواژ و هم بدون تکواژ lə- کاربرد دارند

چند نام خانوادگی در تاتی دروی، همراه با تکواژ lə- به کار می‌روند و در مواقعی هم می‌توانند تکواژ نگیرند و بدون تکواژ ظاهر شوند. ظهور تکواژ بر سر این نام‌ها، نشانگر یک کارکرد دستوری است. این تکواژ تقریباً کارکردش را امروزه از دست داده و با هیچ کلمه تازه‌ای همراه نمی‌گردد.

با تکواژ lə-	بدون تکواژ lə-	
bərâ.lə	bərâ «برادر»	۱
xâ(v).lə	xâv «خواهر»	۲
bala.lə	bala «پسر»	۴
dada.lə	dada «پدر»	۵

واژه ردیف ۱، bərâlə باید از bərâ (برادر؛ شکل فاعلی) به اضافه تکواژ lə- درست شده باشد. واژه ردیف ۲، xâ(v).lə نیز باید از ترکیب xâ(v) (شکل فاعلی خواهر) به اضافه تکواژ lə- درست شده باشد. واژه‌های ردیف ۴ و ۵ نیز به ترتیب از bala و dada به اضافه پسوند lə- ساخته شده‌اند. در نمونه‌های بالا، دو شکلی با پسوند و بدون پسوند ذکر شده‌است. از طرز به کار بردن پسوند مشخص می‌شود که کارکردش در آغاز معرفه‌سازی بوده‌است. چون شخصی که معرفه و شناخته شده‌است، انسان با صمیمیت بیشتری با او برخورد می‌کند و او را مخاطب قرار داده یا صدا می‌زند، احتمالاً از همین جا این پسوند در این گونه از کلیات به کار رفته‌است. در زیر تفاوت دو دسته از اسم‌های زیر مشخص شده‌است:

(۶) čəman xâv raz da bâma.

«خواهرم از باغ برگشت».

(۷) xâvle jân marâ bâj binam əštə sarə čə âma?

«خواهر جان، به من بگو ببینم، بر سرت چه بلایی آمده‌است؟»

همان‌طور که مشخص است، در دو جمله بالا (۶ و ۷)، کلمه **خواهر** دو شکل متفاوت به خود گرفته و یکی از آنها معرفه و دیگری نکره است.

(۸) čəman bərà.š əštan.na bəvard. «برادرم را با خودش برد.»

(۹) bərà.lə kâ ši kərà? «برادر جان! / برادر عزیزم! کجا می‌روی؟»

کلمه **برادر** در زبان تاتی چون از نام‌های خانوادگی است، همانند کلمات خواهر، مادر، پدر، دختر و مانند آنها، شکل‌های نحوی خاصی دارد (برای شکل‌های مختلف این دسته از نام‌ها، نک. سبزه‌لیپور، ۱۳۹۸).

این وند به احتمال بسیار زیاد از وندهایی است که در گستره بزرگی از مناطق رواج زبان آذری به‌کار می‌رفته و هنوز هم در زبان مناطقی از گیلان، آذربایجان و اردبیل کاربرد دارد. در زبان ترکی خلخال این وند در کلماتی مانند *dada.le* (لفظاً پدر جانم، ای وای پدرم) در جملاتی شبیه جمله زیر به‌کار می‌رود. محتمل است این وند از زبان آذری در این مناطق باقی مانده باشد.

(۱۰) *dada.le gina galdi!* «ای وای پدرجانم، باز هم آمد!»

این عبارت در زبان ترکی خلخال و در مناطق همجوار بسیار رایج است. در زبان تالشی نیز این وند بسیار پرکاربرد است. به‌عنوان نمونه، بر سر کلماتی مانند *bərà* «برادر»، *xâ* «خواهر» و نام‌های دیگر خانوادگی ظاهر می‌شود و معنایی که از آن برمی‌آید، همین معنای صمیمیت و بزرگداشت است. به‌عنوان مثال:

(۱۱) *bərà.lə tə kiyâys?* (تالشی اسالمی) «برادر عزیزم کجایی؟»

ب) نام‌هایی که فقط با تکواژ -lə کاربرد دارند

در کنار مواردی که در بالا ذکر شد، کلمات دیگری نیز هستند که پسوند -lə در آنها رسوب کرده و به یک تکواژی رسوبی بدل شده‌است. منظور از تکواژ رسوبی در این جا تکواژهایی (مانند تکواژ -di در واژه **دیشب** زبان فارسی) هستند که زایایی خودشان را از دست داده و فقط در تعدادی از واژه‌های خاص باقی مانده‌اند:

۱۲	mallə (تاتی گلوری)	«مرد»
۱۳	zallə (تاتی گلوری)	«زن»
۱۴	killə (تاتی شاهرودی)	«دختر»

به این فهرست باید **kula** «پسر» را هم اضافه کرد که احتمالاً یا دچار تغییر آوایی شده و یا تحت‌تأثیر **killə** درست شده‌است.

واژه ردیف ۱۲ (**mallə**) طرز ساختش باید چنین باشد:

mard >> mal + lə >> mallə

نمونه ابدال /rd/ به /l/ در زبان‌های ایرانی فراوان است؛ همانند **زرد** < **زال**؛ **پردیز** / **پردیس** < **پالیز** و **سرد** که به **سال** تبدیل شده، و متعاقب آن نیز **سردار** به **سالار** بدل شده‌است (نک. باقری، ۱۳۸۰: ۲۸۴). واژه ردیف ۱۳، **zallə** باید از **zan** به‌اضافه تکواژ **lə** درست شده باشد. نمونه تبدیل واج /l/ به /n/ در تاتی وجود دارد؛ مانند تبدیل **نیسان** (نام ماه سُرّیانی برابر اردیبهشت، که بارانش معروف است) به **laysân**؛ و **نطنز** (گلابی معروف شهر نطنز) به **latanz**. واژه شماره ۱۴ هم باید از ساخت زیر برخوردار باشد:

kina >>> kila >>> kila+lə >>> killə

واژه **kina** «دختر» باید با واژه اوستایی **kainīn** و **kainī** و نیز «کنیز» زبان فارسی ارتباطی داشته باشد. کنیز فارسی از **kanīč** فارسی میانه و آن هم از **-kanya*** «دختر جوان» ایرانی باستان اخذ شده که از ریشه **kan-** «تازه بودن و جوان بودن» است (نک. حسن‌دوست

۱۳۹۳: ۲۷۲۲). در بسیاری از گونه‌های تاتی و تالشی تمامی اشکال دگرذیسی این کلمه هنوز به کار می‌رود؛ یعنی هم شکل kina؛ هم kila؛ هم kila.lə؛ هم killə و هم شکل kəllə کاربرد دارند. این واژه در هرزنی به صورت kina (ذکاء ۱۳۳۶: ۶۰)؛ و در گویش‌های دیگر تاتی و تالشی به شکل‌های مختلف دیگری نیز به کار می‌رود.

۳-۲- وند تحبیب در تعدادی از نام‌های حیوانات خانگی

علاوه بر نام‌های خانوادگی، در تعدادی از نام‌های حیوانات خانگی نیز این وند هنوز کاربرد خودش را حفظ کرده‌است. یعنی با افزوده شدن به کلمه، معنای «تحبیب، ناز و صمیمیت» به آنها افزوده می‌شود. این نام‌ها عبارتند از:

با تکواژ -lə	نام حیوانات اهلی		
vara.lə	vara «بره»	۱۵	
bəza.lə	bəza «بزغاله»	۱۶	
kəta.lə	kəta «توله‌سگ»	۱۷	
sug.lə/ sug.la	sug/sugi «خروس»	۱۸	

وقتی پسوند -lə به کلمه‌ای مثل vara اضافه می‌شود، معنایی شبیه «بره ناز، بره قشنگ من» از آن به دست می‌آید. این کلمه اغلب هنگام خطاب کردن این حیوانات به کار می‌رود؛ مثلاً وقتی سگ یا توله‌سگی به طرف کسی حمله می‌کند، او را چنین خطاب می‌کنند:

(۱۹) kətalə kətalə man giri?

«ای سگ / توله سگ ناز من، تو داری مرا [گاز] می‌گیری (به من حمله می‌کنی)»؟

۳-۳- وند معرفه‌ساز در تعدادی از کلمات

در زبان تاتی دروی روش‌های زیادی برای معرفه کردن کلمات وجود دارد؛ گاهی با صفات اشاره این و آن؛ گاهی هم با تکواژ gəla؛ در مواردی نیز با وند -lə کلمه معرفه می‌شود. چیزی که نشان می‌دهد این علامت معرفه است، وجود کلماتی مانند cillə «چیز (معرفه)» است. کلمه

čillə مرکب از čī «چیز» به‌اضافهٔ وند llə- است. این کلمه در جملات زیر تمایز خود را نشان می‌دهد:

(۲۰) i čī marâ bâ barəm!	«چیزی برایم بیاور، بخورم!»	نکره
(۲۱) i čī tərâ vâjəm kasi râ mavâj	«یک چیزی به تو می‌گویم به کسی نگو.»	
(۲۲) a čille marâ bâ! barəm!	«آن چیز (مورد نظر) را برایم بیاور بخورم.»	معرفه
(۲۳) tə a čiller kâ bənâ?	«آن چیز (مورد نظر) را چکار کردی؟»	

در جدول بالا، کلمهٔ چیز در جمله‌های شماره ۲۰ و ۲۱، نکره است، چون وند llə- ظاهر نشده و در دو جملهٔ شمارهٔ ۲۲ و ۲۳ آن وند ظاهر شده‌است. وجود چنین جملاتی نشان می‌دهد این وند در آغاز کارکرد معرفه‌سازی داشته‌است.

۳-۴- وند اسم‌ساز در حوزهٔ گیاهان و تره‌ها

وند مورد نظر در مواردی، همراه اسم‌های حوزهٔ خاصی ظاهر شده، یک اسم جدید می‌سازد. این گونه از نام‌ها هیچ تفاوتی در شکل و حالت‌های نحوی ندارند و در معنای اولیهٔ آنها نیز چیزی نیست که بتوان گفت آنها در آغاز بر معنای خاص دیگری دلالت کرده، بعدها معنای خودشان را از دست داده‌اند. یکی از بافت‌های خاصی که این وند در آنها به کار رفته، حوزهٔ گیاهان به‌ویژه گیاهان خوردنی (تره‌ها و سبزی‌ها) است. در زیر تعدادی از این اسم‌ها ذکر شده است. شکل معرفه و نکره این نام‌ها هیچ تفاوتی با هم ندارد. به همین خاطر باید گفت این کلمات هیچ کدام معرفه نیستند و اگر روزی معرفه بوده‌اند، امروز معرفگی خود را از دست داده‌اند.

نام تره‌ها و گیاهان در تاتی

- (24) gulâvələ (25) narmilə (26) ruâvələ (27) naftilə
 (28) dəjâlə (29) sera šilə (30) təršillə (31) tərša sufillə
 (32) siyâ sufillə (33) qərxəšillə (34) ruʔənnlə (35) râtəjillə
 (36) guštillə (37) gandəmillə (38) šətillə (39) murəməllə
 (40) qarašillə

همان طور که دیده می‌شود، در تعدادی از کلمات بالا، گاهی قبل از افزوده شدن وند *-lə*، حرف آخر آنها نیز به */l/* تبدیل شده و به نوعی مشدد می‌شود. مانند: *šətillə*. این ساخت احتمالاً از آنجا حاصل شده است که در آغاز واج */l/*، به واج */n/* تبدیل شده یا به عبارتی دیگر، همگونی همخوانی^۱ اتفاق افتاده و در ادامه آن وند *-lə* به آن افزوده شده است^۲ (برای تبدیل واج */l/* به */n/* در زبان تاتی، نک. مطالب قبلی همین مقاله)؛ به عنوان مثال، طرز ساخت کلمات *šətillə*، *naftillə* و *gandəmillə* در زیر آمده است:

صفات نسبی				
šət-in-lə	>>>	šət-il-lə	=	šətillə (۴۱)
naft-in-lə	>>>	naft-il-lə	=	naftillə (۴۲)
gandəm-in-lə	>>>	gandəm-il-lə	=	gandəmillə (۴۳)

واژه‌های دیگری همچون *qarašillə*، *murəməllə*، *guštillə* نیز باید از رهگذر چنین ساختی به دست آمده باشند. یعنی به ترتیب، مرکب از *gušt* «گوشت»، *murəm* «لوبیا»،

^۱ assimilation

^۲ به غیر از چند بافت بررسی شده (یعنی نام‌های خانوادگی، نام حیوانات خانگی، اسم معرفه *čillə* و نام‌های گیاهان و تره‌ها) این وند در کلمات دیگری نیز یافت می‌شود. مانند *hillə* «فریاد»، *hray*، «سبیلی» در این کلمات *-lə* جزئی از کلمه است. سبیلی فارسی در تاتی به شکل *sillə* تلفظ می‌شود.

qaraš «خرگوش» به‌اضافهٔ وند نسبت *-in* هستند که به آنها تکواژ *-lə* اضافه شده‌است و همان طور که گذشت، بعدها در اثر همگونی همخوانی به *illə* تبدیل شده‌اند.

تکواژ *-in* در زبان تاتی یکی از تکواژهای پربسامد صفت‌ساز است. این تکواژ به اسم متصل شده و صفت می‌سازد؛ مانند:

dard + in	dard.in (۴۴) «دردمند»
gəl + in	gəl.in (۴۵) «گل‌آلود، کثیف»
xâk + in	xâk.in (۴۶) «خاکی و کثیف»
âzâr + in	âzâr.in (۴۷) «مبتلا به بیماری آزار»

با این توضیحات باید گفت وند مورد نظر در تعدادی زیادی از نام‌های تره‌ها، چنین مرحله‌ای را طی کرده‌است: $illə \gg il-lə \gg in-lə$

سه تکواژ *-lə* در بافت‌های بررسی‌شده، ممکن است همگی منشعب از یک تکواژ باشند که در بافت‌های آوایی تغییراتی در آنها حاصل شده‌است. به همین خاطر، باید در پی وندی بود که در آغاز کارکردی معرفه‌ساز داشته و بعدها دچار دستوری‌شدگی شده و کارکرد خود را از دست داده‌است. این احتمال وجود دارد که وند *-lə* صورتی از *gəla* (تکواژ طبقه‌نما) باشد. به همین دلیل، در ادامه توضیحی در مورد این طبقه‌نما ذکر می‌شود.

در زبان تاتی خلخال *gəla* «مردمک چشم، دانهٔ انگور» اسمی است که بعدها دچار دستوری‌شدگی شده و به یک طبقه‌نمای عددی^۱ تبدیل شده‌است. طبقه‌نماهای عددی تکواژهای نقشی هستند که در کنار اسم ظاهر می‌شوند و در زبان فارسی به این کلمات واحد شمارش هم می‌گویند. به‌عنوان مثال، در عبارت *سه تخته پتو کلمهٔ تخته طبقه‌نماست*. در زبان تاتی این تکواژ در آغاز یک اسم بوده و بعدها همانند یک تکواژ دستوری عمل کرده است. ایزدی‌فر (۱۳۹۴) به نقش طبقه‌نمایی این تکواژ در تاتی دروی پرداخته‌است. در این مجال آنچه مهم است، آن است

¹- numeral classifiers

که این تکواژ در بافت‌هایی به‌عنوان تکواژ معرفه‌ساز عمل می‌کند. در زیر شواهدی از اسم بودن *gəla* ارائه می‌شود:

(۴۸) *əštə čašə gəla barvazə!* «[الهی] مردمک چشمت دریاد!»

(۴۹) *angurə gəla âmaka* «انگور را دانه دانه نکن!»

این اسم در زبان تاتی به‌معنای «دانه انگور» و نیز «نوک پستان» است. این معنای اولیه آن در زبان تاتی است، ولی بعدها از اسم بودن، تخی شده، و به یک سازه دستوری بدل شده است. جملاتی از تاتی که در آنها *gəla* تکواژ **نقشی** یا **طبقه‌ناماست**، در جدول زیر آمده است:

(۵۰) *bəš šəma ka.da se gəla nân bâ.* «برو از خانه خودتان سه تا نان بیاور.»

(۵۱) *da gəla zâ dârə, i ila ni ča râ ânərasə.*

«ده تا پسر دارد، یکی هم به دادش نمی‌رسد.»

این تکواژ در بافت‌هایی مختصر شده و به صورت *la* ادا می‌شود. مانند جملات زیر:

(۵۲) *čâ (l)la asiv.əm dârə ku bə.či.* «چهار تا سیب از درخت چیدم.»

(۵۳) *i la vara təkayî dârimân gin âbiya.*

«یک بره‌ای داشتیم گم شده است.»

همچنان که مشخص است، *gəla* در تاتی اسم بودن خودش را حفظ کرده، ولی در عین حال یک طبقه‌ناما است و در بافت‌هایی نیز خلاصه شده به صورت *la* بیان می‌شود. چیزی که در اینجا مهم است این است که این کلمه گاهی معرفه‌ناما است؛ مانند جملات زیر:

(۵۴) *bərà jân a pasa-gəla sarə marâ âgârdən!*

«برادر جان سر آن گوسفند را برای من برگردان [تا بیاید این طرف].»

(۵۵) *marâ bāj binam a tâka ka-gəla čigirə?*

«به من بگو ببینم آن خانه‌ای که در آنجا تنهاست، مال چه کسی است؟»

همچنان که در مثال شماره ۵۲ و ۵۳ مشخص است، *gəla* تکواژی معرفه‌نامست و به صورت مختصر، یعنی به شکل *la* هم به کار رفته است. محتمل است، پسوند معرفه‌ساز *-lə* که در این مقاله شواهدی از آن در نام‌های خانوادگی، نام حیوانات خانگی و نیز نام تعدادی از گیاهان و تره‌ها ذکر شد، بی‌ارتباط با این تکواژ معرفه‌ساز *gəla/la* نباشد. در این جا این سؤال پیش می‌آید، که تکواژ معرفه‌ساز *gəla/la* مختوم به مصوت */a/* است، ولی تکواژ تحبیب و معرفه‌ساز، آخرش به مصوت */ə/* ختم شده است. در جواب این سؤال مقدر باید گفت، تعدادی از تکواژهای معرفه‌ساز و تحبیب بررسی شده در این مقاله، مختوم به مصوت هستند؛ مانند *sug.la* «خروس»، *kula* «پسر»، *kila* «دختر». ولی به علت کمبود داده‌های زبانی کهن، امکان بررسی و ارائه نظر دقیق در این زمینه، قدری دشوار است. آنچه ذکر شد، فقط می‌تواند یک فرض باشد. طبق این فرض باید مراحل تغییر تکواژ معرفه‌ساز تاتی چنین باشد:

gəla >>> (gə)la >>> la >>> lə

همچنان که ذکر شد، *gəla* اسمی در زبان تاتی به معنای «دانه انگور» و «نوک پستان» است؛ این اسم، دستوری شده یا به سازه‌ای دستوری بدل شده و بعد از مدتی خلاصه شده‌اش به صورت *-la* ظاهر شده است و همین صورت هم، بعدها دچار فرسایش آوایی شده و به صورت *-lə* در آمده است.

۵-۳- تکواژ حسرت و حیرت *-me* در زبان تاتی

تکواژ *-me* در زبان تاتی دروی تکواژی است که امروزه بسیار کم کاربرد است و در بافت‌های زیر خود را نشان می‌دهد:

الف) مویه و سوگواری؛

ب) حادثه ناگوار و مصیبتی وحشتناک؛

ج) تعجب یا تمسخر.

این تکواژ، برای حسرت از دست دادن کسی یا چیزی یا حیرت از دیدن چیزی به کار می‌رود. در این مقاله این تکواژ به نام تکواژ «حسرت و حیرت» نامیده شده است. در ادامه نمونه‌هایی برای هر یک از کاربردهای سه‌گانه این تکواژ ذکر شده است:

سوگواری:

(۵۶) dede jâməme čerâ-r ama taynâ bašt!

«مادر جان، تو چرا ما را تنها گذاشتی؟»

(۵۷) ajân jânəme ajân jânəme tə âxər â bəšiš?

«پدر جان، پدرجان تو چرا ما را تنها گذاشتی؟»

وحشت:

(۵۸) dadamme! xərsə xərs!

«والای! خرس را نگاه کن!»

تعجب و تمسخر:

(۵۹) bərâmmə əmə diya handa izəmə čə xây bəkari!

«والای این را نگاه، این همه هیزم را می‌خواهی چه کار!»

وقتی این تکواژ در موقعیت تعجب به کار می‌رود، به‌نوعی تمسخر هم در آن نهفته است و این احتمالاً بدان سبب است که روزگاری این عبارت برای بیان تعجب واقعی از دیدن چیزهای شگفت‌انگیز کاربرد داشته، اما پس از مدتی در موقعیت‌های مشابه یا طنز هم به کار رفته‌است. یکی از کلماتی که در چنین بافتی به کار می‌رود و بسیار شایع است، عبارت bərâmmə است. این عبارت عامیانه در زبان تاتی و تالشی بسیار پرکاربرد است؛ مثلاً وقتی کسی با شخصی مواجه شود که هیزم بسیاری برای خُرد کردن آورده‌است، برای اظهار تعجب این عبارت را به زبان می‌آورد.

۶-۳- بررسی ساخت‌وازی تکواژ حسرت و حیرت -me

تکواژ -me باید از ترکیب دو تکواژ (v)m- (ضمیر متصل غیرفاعلی) و -ey (وند ندا) به دست آمده باشد. عبارت‌هایی همچون dede-me «ای وای مادرم»، dada-me «ای وای پدرم»، bərâm-me «ای وای برادرم»، aqa-me «ای وای آقای من»، در اصل باید روش ساختشان چنین باشد:

ای وای بر برادرم	bərâ-m+e	bərâ-m+ey	bərâmmе (۶۰)
ای وای بر مادرم	nana-m-e	nana-m-ey	naname (۶۱)
ای وای بر آقاچانم	ajân-əm-e	ajân-əm-ey	ajânəme (۶۲)

ضمایر متصل فاعلی در تاتی دروی به شرح زیر هستند (سبزعلیپور ۱۳۹۱: ۶۵):

مفرد			جمع		
اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
-(v)m	-(v)r	-(v)š	-(v)mân	-(v)rân	-(v)šân

علامت (v)- در ضمایر فوق علامت اختیاری بودن آن است و به این معناست که زمانی که اسم قبل از ضمیر مختوم به مصوت باشد؛ مانند مثال‌های ۳۰ و ۳۱ جدول فوق، هیچ واکه‌ای دیگر در آن وسط ظاهر نمی‌شود. زمانی که اسم مختوم به صامت باشد؛ مانند مثال شماره ۳۲، واکه‌ای قبل از ضمیر اضافه می‌شود.

علامت ندا در زبان تاتی وند e(y)- است که به آخر اسم ملحق می‌شود. اسم در زبان تاتی دارای حالات‌های مختلفی است. اسم در گویش دروی از زبان تاتی، «سه حالت از حالت‌های مختلف دوره باستان را حفظ کرده‌است که عبارتند از: (۱) حالت مستقیم؛ (۲) حالت غیرمستقیم شامل حالت مفعول صریح، اضافی، مفعول به‌ای، مفعول ازی، مفعول برای، مفعول دری؛ و (۳) حالت ندایی. هر یک از این حالت‌ها نشان می‌دهد که اسم در جمله از نظر نحوی چه نقشی دارد» (سبزعلیپور / ایزدی فر ۱۳۹۳: ۱۱۴).

در زبان فارسی نیز ای وای مادرم تقریباً چنین ساختاری دارد. یعنی ترکیبی از حرف ندا، اسم و ضمیر متصل غیرفاعلی است. در زبان ترکی آذری دَدهم وای عبارت پرسامدی است که همواره در چنین موقعیت‌هایی به کار می‌رود. مثلاً هنگام دیدن خرس چنین می‌گویند: دَدم وای آیه باخ «ای وای خرس را نگاه کنید». عبارت دَدهم وای از نظر لفظی معادل ای وای پدرم است.

در زبان تاتی تکواژ حسرت و حیرت *-me* گاهی به کلمه قبل متصل شده و خود در نقش یک گروه اسمی به کار می‌رود؛ مانند این مثال:

ilâhi dârëm ajân-me bəkarâš! (۶۳)

«خدا کند در عزای پدرت بنشین و «آجانمه» (ای وای پدرم) بگویی».

در مثال ۶۳، «اجان‌مه»، یک گروه اسمی است و جزئی از فعل مرکب است.

۴- نتیجه

در این مقاله، دو تکواژ از تکواژهای زبان تاتی بر مبنای گویش دروی بررسی شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد وند *-ə* که در اغلب موارد برای معرفی و به تبع آن صمیمیت و تحبیب به کار می‌رود، باید صورت تحوّل یافته اسم *gəla* «دانه انگور؛ مردم چشم؛ نوک پستان» باشد که بعدها دچار دستوری‌شدگی شده و به یک طبقه‌نمای عددی بدل گشته و نقش یک واحد شمارش را بازی می‌کند. این طبقه‌نما به دو صورت کامل و خلاصه *-la* به کار می‌رود. شواهد نشان می‌دهد تکواژ طبقه‌نمای *-la* دچار کاهش آوایی شده و به *-ə* تبدیل شده است. تکواژ دیگر این مقاله *-me* بود که در اصل برای مویه و سوگواری کاربرد داشته و بعدها برای بیان حیرت، تعجب و تمسخر به کار رفته است. این تکواژ باید ترکیبی از دو تکواژ ضمیر متصل غیرفاعلی اول شخص مفرد و نیز وند ندای *-e(y)* باشد.

کتابنامه

ایزدی فر، راحله (۱۳۹۴)، «بررسی طبقه‌نماهای عددی در گویش دروی زبان تاتی»، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، شم ۵: ۷۸-۵۹.

باقری، مہری (۱۳۸۰)، *واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی*، تهران: قطره.

حسن‌دوست، محمد (۱۳۹۳)، *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*، تهران: فرهنگستان زبان و

ادب فارسی.

ذکاء، یحیی (۱۳۳۶)، «گویش گلین قتیّه یا هرزندی»، *فرهنگ ایران زمین* ۵: ۵۱-۹۲.

سبزعلیپور، جهان‌دوست (۱۳۹۱ الف)، بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی، تالش‌ی و گیلکی: دانشگاه گیلان.

سبزعلیپور، جهان‌دوست (۱۳۹۱ ب)، فرهنگ تاتی، رشت: فرهنگ ایلیا.

سبزعلیپور، جهان‌دوست (۱۳۹۸)، «بررسی نحوی و ساختارهای اسامی خویشاوندی در زبان‌های حاشیه کاسپین»، پژوهش‌های ادبی-زبانی قفقاز و کاسپین، شم ۱: ۵۷-۷۸.

سبزعلیپور، جهان‌دوست (۱۴۰۱)، «گستره جغرافیایی زبان تاتی و ارتباط آن با زبان پهلوی اشکانی (پارتی)»، زبان شناسی و گویش‌های خراسان، تاریخ انتشار آنلاین: اسفند ۱۴۰۱ (DOI: 10.22067/jlkd.2023.80475.1141).

سبزعلیپور، جهان‌دوست / ایزدی فر، راحله (۱۳۹۳)، «نظام حالت‌نمایی در گویش تاتی خلخال»، جستارهای زبانی، دوره ۵، شم ۴ (پیاپی ۲۰): ۱۰۳-۱۲۳.

لُکوک، پیر (۱۳۸۳)، «گویش‌های حاشیه دریای خزر و گویش‌های شمال غرب ایران»، راهنمای زبان‌های ایرانی، ویراستار: رودیگر اشمیت، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضایی باغ‌بیدی: ۴۸۹-۵۱۵، تهران: ققنوس.

Stilo, Donald L. (1981), "The Tati Language Group in The Sociolinguistic Context of Northwestern Iran and Transcaucasia", *Iranian Studies* XIV/3-4: 137-187.

Stilo, Donald L. (2018), "The Caspian region and south Azerbaijan: Caspian and Tatic", *The Languages and Linguistics of Western Asia, An Areal Perspective*, Geoffrey Haig and Geoffrey Khan (eds.): 659- 824.

Yarshater. E. (1959), "The Dialect of Shahrood (Khalkhal)", *BSOAS* XXII: 52-68.

Yarshater. E. (1969), *A Grammar of Southern Tati Dialects*, The Hague, Paris.

A Look at the Functions of Two Morphemes acting as a Definite Article and an Expression of Regret in the Tati Dialect of Khalkhāl

Jahandoust Sabzalipour
Islamic Azad University, Rasht

Abstract

In Tati language, a Northwest Iranian language, there are many ancient elements and structures that are being neglected these days. In this article, two morphemes (*lə-* and *me-*) of Tati's morphemes based on the *Dəravī* dialect (from Shāhrūd dialects of Khalkhāl) are examined. The research question in this article addresses the function of these two morphemes. The linguistic evidence examined in this paper shows that *lə-* morpheme in surnames and pet names is a sign of admiration and intimacy; in some cases, it acts as definite article, and in some contexts, it is a derivative and a noun-making element. The regret morpheme *me-* is another morpheme reviewed in this paper. The results of the research show that this morpheme must be a combination of the first-person non-subjective connected pronoun and the interjection *-e(y)*. This morpheme is used in a) mourning context; b) a traumatic event and a tragedy; c) surprise or ridicule. However, evidently, the main function of this morpheme was for mourning.

Keywords: Tati, Dəravī Dialect, Shāhrūd of Khalkhāl, Definite Morpheme, Regret Morpheme